

بررسی جایگاه تئوری‌های معماری منظر جهان در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۷/۰۲/۲۰

مهدی خاک زند* (دکتری معماری منظر، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران، ایران)
کوروش آقابزرگی (کارشناسی ارشد معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، قزوین)

چکیده:

پژوهش حاضر با مطالعه عمیق نظریات و رویکردها پیرامون حوزه‌های منظر، سعی در تحلیل، اولویت‌بندی و ارزیابی و نیز بررسی جایگاه آن در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر معاصر ایران دارد. در همین راستا با دسته‌بندی نظریه‌های موجود در شش رویکرد (مفهوم و معنا؛ زیبایی‌شناسی؛ اجتماعی- فرهنگی؛ طبیعت و اکولوژی؛ طراحی، فرم، عملکرد و برنامه‌ریزی و فرآیند طراحی)، به تحلیل و ارزیابی آنها پرداخته خواهد شد. لازم به توضیح است که این مطالعه در دو بخش انجام می‌شود، بخش اول به روش کیفی نظریه زمینه‌ای^۱، که با استفاده از کدگذاری مفاهیم به تحلیل نظریات می‌پردازد، صورت می‌گیرد. در بخش دوم با رویکردی تطبیقی، معیارهای استخراج شده از بخش اول، در معماری منظر معاصر ایران مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. نتایج حاکی از آن است که در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر کشور، کاستی‌هایی در رابطه با شش مقوله فوق وجود دارد، به طوری که در مسائلی همچون اتصال منظر به معماری، ادراک منظر، انعطاف‌پذیری و برنامه‌دهی منظر، تلاش چندانی صورت نگرفته است، اما به مواردی از جمله الگوها، نمادها، سنت، نظم و هندسه به نحو مطلوبی پرداخته می‌شود. بنابراین با گام برداشتن در راستای جبران این کمبودها می‌توان موجبات رشد و پیشرفت این رشته را در همه ابعاد، فراهم کرد.

واژه‌های کلیدی: معماری منظر، تئوری منظر، تئوری زمینه‌ای، پروژه‌های حرفه‌ای منظر، ایران.

* نویسنده رابط: mkhakzand@iust.ac.ir

¹ Grounded Theory

مقدمه

امروزه در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم، معماران منظر شروع به پذیرش دیدگاه‌های جدیدی نموده‌اند، و این فرض را پذیرفته‌اند که نکات تکنیکی، کارکردی، اکولوژیکی، اقتصادی، و زیبایی‌شناسی، ارائه دهنده نیروهای مختلفی است که بر فرم طراحی، و در نتیجه بر ابعاد مختلف مفهوم طراحی تأثیر می‌گذارد. این نکات ارائه دهنده روش‌های مختلف بررسی احتمالات موجود برای شکل دهی منظر است؛ مجموعه ارزش‌های مختلف که به‌وسیله طراحی منظر می‌توان هر یک را در کل یک سیستم جامع گنجانند. دانش ما از هر یک از این ارزش‌ها، موجب می‌شود به نحو صحیح‌تری در فرایند طراحی قرار گیرند. با افزایش دانش ما، معنای طراحی گسترده و اصلاح می‌شود. خصوصاً، ما شروع به جدا شدن از این تصور نموده‌ایم که تصمیمات طراحی خوب را از قبل و بر اساس آنچه که به نتیجه نهایی شبیه‌تر است، می‌توان اتخاذ کرد.

همچنین با بروز نظریات گوناگون در این عرصه طیف وسیعی از پروژه‌های حرفه‌ای با عنوان معماری منظر، با رویکردهای متفاوت در گوشه و کنار دنیا ایجاد می‌شوند. آنچه واضح است، اینکه دیگر با دیدگاه تک بعدی و بدون تجزیه و تحلیل در حوزه‌های دانش معماری منظر، نمی‌توان به مقصود رسید. حقیقتاً معماری منظر دارای مفهومی پیچیده است، زیرا ابعاد زیادی از جمله مسائل فرهنگی، اکولوژیکی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی را شامل می‌شود. اگرچه معماری منظر در سطح جهانی بیش از یک قرن قدمت در عرصه حرفه‌ای و آکادمیک دارد، اما در ایران تاریخچه‌ای بسیار کوتاه داشته و هنوز در حال طی مراحل تکامل خویش است. همچنین ارتباط میان آن چیزی که به عنوان بخش آکادمیک و دانشگاهی مطرح می‌شود با بخش حرفه‌ای معماری منظر، از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که لزوم پیوند میان حرفه و دانش در این رشته نیز به شدت احساس می‌شود. به‌طور عمده در بخش حرفه‌ای دغدغه‌ها و اهداف گوناگونی باید مورد توجه قرار گیرد، که متأثر از تئوری‌های مرتبط به این رشته می‌باشد، از ابعاد اجتماعی، فرهنگی- هویتی، زیبایی‌شناسی و هنری گرفته تا ابعاد کارکردی یا عملکردی و غیره. بدین جهت، با مروری بر نظریه‌های اندیشمندان و نظریه‌پردازان معاصر، سعی در بازشناسی مهمترین مقولات که پیش نیاز اصلاح و ارتقاء معماری منظر در کشور می‌باشد، داشته است. همچنین در ادامه تلاش شد به ارزیابی جایگاه این مقولات و فرضیات که در فرایندی تحلیلی استخراج می‌شوند، در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر، با روشی تطبیقی پرداخته شود. لازم به ذکر است که نویسندگان در این پژوهش سعی دارند با رویکرد و نگاهی کلی به ارزیابی جایگاه نظریات معماری منظر در برخی از پروژه‌های شاخص حرفه‌ای ایران پرداخته و این مسئله می‌تواند زمینه ساز تحقیقات بیشتری نیز باشد.

جایگاه تئوری در طراحی منظر

برای آن که طراحان منظر مشکلاتی را که قرار است رفع کنند، درک نمایند، نه تنها باید صلاحیت فنی داشته باشند، بلکه باید از ابعاد فیزیکی، بوم‌شناسی، اجتماعی و روان‌شناسی کاربران و همچنین محیط زندگی آنان نیز آگاه باشند. طی سی سال گذشته، توجه بیشتری در حرفه‌های طراحی نسبت به تحقیق بر رفتار محیطی معطوف شده است، اما تنها طی پانزده سال اخیر این تحقیقات تأثیر قابل توجهی بر تفکر طراحی گذاشته و جایگاه برجسته‌ای در نظریات یافته است (Zube, 1986: 16). تا حدودی می‌توان گفت تئوری طراحی امروزی بیشتر بر روش طراحی متمرکز بوده و بر سبک فرم حاصل تأکید دارد تا بر این موضوع که چرا تصمیمات طراحی امروزی باید بر "ترجیحات" زیبایی‌شناسانه طراح استوار باشد. در بسیاری از زمینه‌ها (مانند مهندسی و برنامه‌ریزی) تحقیقات رشد پیدا کرد، و تئوری به دلیل قدرت‌ش در ارائه بینشی نسبت به آینده، مورد توجه قرار گرفت. اما رشته‌های طراحی (همچون طراحی منظر) به دلیل نداشتن یک اساس علمی قانونمند، کنار گذاشته شدند (Zube, 1973: 130 & Rapaport, 1977:4).

روش تحقیق

این پژوهش در دو بخش صورت گرفته است: در بخش اول از نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است، که روشی مسئله محور و مرتبط بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسئله کمک می‌کند. در این فرآیند داده‌های گردآوری شده تبدیل به مفاهیم و کد شده و در یک پیوستار فرآیندمدار به هم متصل می‌شوند (Glaser, 2001: 2,5; Morse, 1967: 34, and Strauss). بر همین اساس داده‌ها در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) می‌شود. کدگذاری عبارت است از یک فرآیند تحلیلی که طی آن داده‌ها تفکیک، مفهوم بندی و یکپارچه می‌شوند، به گونه‌ای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهند. در فرآیند کدگذاری، واحد تحلیل مفهوم است (Glaser, and Strauss, 1967: 42, Strauss and Corbin, 1998: 178, Neuman, 2006: 14).

در مرحله اول، نظریات مربوطه در بخش مفاهیم (سطح ۱) دسته‌بندی شده و در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه (سطح ۲)، در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده و در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته استخراج می‌شود. این مقوله باید قدرت تحلیلی داشته و دیگر مقولات را در خود جای دهد (Strauss, et al., 1998: 123). بدین ترتیب اطلاعات اولیه در

شش بخش شامل: مفهوم و معنا؛ زیبایی شناسی؛ اجتماعی- فرهنگی؛ طبیعت و اکولوژی؛ طراحی، فرم، عملکرد و برنامه‌ریزی و فرآیند طراحی قرار گرفته، تا فرآیند روش تئوری زمینه‌ای (گراندد تئوری) را طی نماید. در انتها نیز مقولات هسته یا نظریه نهایی استخراج می‌شوند. در بخش دوم از روش تحلیلی-تطبیقی در راستای سنجش و ارزیابی مقولات مستخرج از بخش اول، در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر معاصر ایران، بهره‌گیری شد. در همین راستا نویسندگان با تبدیل مقولات هسته به واژه‌های کلیدی، به مقایسه و سنجش آن در معماری منظر ایران پرداختند، که نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که مبنای تحلیل‌ها در این بخش پروژه‌هایی است که با استفاده از تکنیک دلفی انتخاب شده است، دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصص (۱۰ تا ۲۰ نفره) با حفظ گمنامی آنها در مورد یک موضوع یا یک سؤال است (Hsu & Sandford, 2008). بر همین اساس با شناسایی ده کارشناس و صاحب‌نظر معماری منظر، در چهارچوب یک جدول از آنها خواسته شد که به طور آزادانه پروژه‌های منظر (پنجاه سال اخیر) مرتبط با هر مقوله را از دیدگاه خود معرفی نمایند، که با تجزیه و تحلیل جداول مواردی که بیشتر مورد تأکید قرار گرفت انتخاب شد.

تحلیل مفاهیم (سطح یک)

انسان، فرهنگ

معماری منظر می‌تواند در خلق بخشی از فضاهای عمومی و اجتماعی مجتمع‌های زیستی نقش به‌سزایی داشته باشد. بسیاری منظر را به عنوان ضرورت‌های اجتماعی مطرح می‌کنند (طبری کوچکسرایبی و دیگران، ۱۳۹۱) (8: Beatley, 2000; 36: Thompson, 2014) (Murphy, 2005: 25). از آنجا که بخش عمده‌ای از تعاملات اجتماعی در فضاهای باز شکل می‌گیرد، پرداختن به ارزش‌های اجتماعی که بتواند به این گونه فضاها غنای بیشتری بخشد امری بایسته است، که در این میان مشارکت مردم در خلق این فضاها می‌تواند به این مهم کمک نماید. هانت (۱۹۹۲) معتقد است مناظر، به نوعی هنر محیط اجتماعی هستند (Dixon 37: Hunt, 1992). برخی نیز با تأکید بر ارتباط کیفی و کمی فضای منظر با انسان، به اهمیت و محوریت او در طراحی منظر اشاره می‌کنند (Eckbo, 1950: 9, Spirn, 1988: 110, Cranz & Boland, 2004: 106). در حقیقت طراحی منظر همان قدر که با جنبه‌های فیزیکی فضای باز درگیر است، با مردم نیز سروکار دارد. به عقیده نیوتون (۱۹۷۳) تنها ارزیابی هوشمندانه از طراحی موفقیت‌آمیز، تأثیر آن بر کاربر است (Newton, 1973: 11). همواره بسیاری از

نظریه‌پردازان تأکید بر مشارکت اجتماعی در فرآیند و مطالعه‌ی الگوهای رفتاری و نگرش‌های شهروندان داشته‌اند (بژی و میرشکاری، ۱۳۹۳)؛ (Hester 2012, 135, Arnstein, 1969; 216). زیرا استفاده از مفاهیم، نظریه‌ها و چشم‌اندازهای جدید در برخورد مستقیم با مردم می‌تواند شناخت عمیقتری به طراح ارائه کند (Hester 2012, 135, Jellicoe, 1989: 13). گرت اکبو (1950) اعتقاد دارد معماری منظر صرفاً به عنوان فضای زیست بشر می‌باشد و شامل جنگل‌ها و زمین‌های زراعی نمی‌شود (Eckbo, 1950: 8).

بسیاری از معماران منظر، علاقمند به حفظ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شهر و کاربرد آنها در طرح‌های خود بوده‌اند. مارشال (۱۹۸۱) براین باور است که منظر، هنری با استفاده از دانش علمی و فرهنگی است (Marshall, 1981: 4)، همچنین کرنر (۱۹۹۲) عنوان می‌کند، که منظر نتیجه تغییرات فرهنگی بوده و به نوعی تبلوری از آن می‌باشد (Corner, 1992: 144, 1999). برخی دیگر به کاربرد عناصر نمادین و خلق افسانه‌ها و اسطوره‌ها در منظر تأکید می‌کنند (Jellicoe, and Jellicoe, 1975: 129). البته ارتباط میان فرهنگ و طبیعت و پیوند میان آنها نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد، که تجربه انسان در منظر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Jacobs, 1991: 49, Olin, 1998: 152, Spirn, 1984: 12).

اما مسئله‌ای که امروزه به شکلی مناقشه آمیزی با آن مواجهیم، سنت و تعبیری است که از آن ارائه می‌شود. برخی به احیای آن به‌عنوان حقیقتی مطلق، آن‌طور که در قرن‌های پیش بوده است، اصرار دارند (Wall, 1999: 234, Olin, 1998: 152, Newton, 1973: 14). واکر (۱۹۹۷) به اهمیت بسیار سایت‌های تاریخی اصرار ورزیده؛ و آن را نمونه بارز تلاقی و همگرایی شکل، معنی و تجربه می‌داند (Walker, 1997: 19). منظر به نوعی می‌تواند عاملی برای تولید و غنی‌سازی فرهنگ باشد (Corner, 1999: 1)، زیرا دارای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی بوده (Corner, 2006) و به منزله یک محصول فرهنگی مطرح می‌باشد (Cosgrove, 1984: 39). لایل (۱۹۹۱)، با تأکید بر اهمیت برقراری ارتباط میان فرهنگ و طبیعت، "فرم تابع جریان" را به جای "فرم تابع عملکرد" مطرح می‌کند (Lyle, 1991: 38).

فضا، مکان

به طور کلی منظر از اقسام و زیرمجموعه‌های مکان است که در ارتباط مستقیم با معماری رخ می‌دهد. فضا و مکان در معماری منظر نقش بسیار مهمتری نسبت به پیکرنگاری و یا تأثیرات انسانی دارند (Giedion, 1941: 78). کندون (۱۹۸۸) نیز به فضای کوبیست و حجمی در طراحی منظر تأکید می‌کند (Candon, 1988: 64). مورفی (۲۰۰۵) طراحی منظر را ابزاری

برای مدیریت فرآیند و تغییر به سمت خلق مکان بر معنی پر رمز و راز و تحمیل کننده، عنوان کرده و معتقد است، معماری منظر؛ فضا سازی، مکان سازی و گاهی وابسته به ساختمان‌هاست (Murphy, 2005: 13). ترنر (۲۰۰۱) نیز از معماری منظر به مثابه ساختن مکان‌های خوب یاد می‌کند (Turner, 2001: 30). از دیدگاه جاکوبز (۱۹۹۱)، منظر پدیده‌ای در معنای فضا، زمان و سنت است (Jacobs, 1991: 50).

هنر، زیبایی

به عقیده برخی منظر به عنوان نماینده‌ای برای هنر و در واقع زیرمجموعه‌ای از هنرهای زیبا می‌باشد (Hubbard, Kimball, 1929: 1, Schwartz, 1992 & 1985; Winters 2007: 4). الین (۱۹۹۸) از معناگرایی به عنوان یک اصل در منظر یاد کرده و به بهره‌گیری مجدد از استعاره‌ها و مفاهیم در منظر اشاره می‌کند (Olin, 1998: 153). برخی نیز به کارکرد ادبی، روایی و استعاری منظر اشاره دارند (Potteiger, and Purinton, 1998: 17, Hunt, 1992: 244, Corner, 1992: 337). به عقیده کرنر (۱۹۹۲) معماری منظر، هنری نمایشی است که حس موجودیت در ساخت محیطی نمادین را برای فرهنگهای مختلف فراهم می‌کند (Corner, 1992: 244).

برخی از نظریه‌پردازان معماری منظر ابعاد زیبایی شناسی را بیشتر از موارد دیگر در طراحی و برنامه‌ریزی مورد توجه قرار می‌دهند (Turner, 2001: 30, Zube, 1998). همچنین توجه به لذت، روح و احساس در تجربه منظر از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد (Treib, 1997: 3, Walker, 2014: 108, Thompson, 1995: 47). ترنر (۱۹۹۶) تنها قانون مورد قبول در طراحی منظر را روح مکان عنوان می‌کند (Turner, 1996: 141). زیبایی شناسی روشی عالی برای دانستن بوده و تأثیر عمیقی بر رابطه ما با محیط غیر انسانی دارد (Nassauer, 1989: 133, Leopold, 2001: 61, Richards, 2002: 162). البته ادراک زیبایی یک منظر وابسته به ذهن انسان می‌باشد (Solomon, 2006: 342; Holm, 2005: 85). بل (۱۹۹۹) که از الفبای زیبایی شناسی برای تشخیص الگوها بهره می‌گرفت، معتقد بود طراحی منظر، تعادل بین عملکرد، هزینه و زیبایی شناسی می‌باشد (Bell, 1999: 11). همچنین او و کاپلان معیارهای زیبایی شناسی را به سه دسته تقسیم کرده اند: تنوع و پیچیدگی، ترکیب بندی و ابهام که یکی از ویژگی‌های ادراکی است (Kaplan & Kaplan, 1989; Bell, 2004: 7). برخی نیز زیبایی را در مجاورت سکونتگاه بشر و چشم‌اندازهای طبیعی متصور شده و مهمترین عملکرد آن را ایجاد و حفظ طبیعت می‌پندارند (Hubbard & Kimball, 1929: 4).

طبیعت، اکولوژی

منظر مفهومی برگرفته از فرآیندهای زمین شناسانه و بیولوژیک، فعالیت‌ها و اسکان بشر و تخیل انسان می‌باشد (Benson & Roe, 2000: 3, Thompson, 2002: 32). طراحی با طبیعت همواره از دو جنبه زیبا شناختی و بهره‌برداری از طبیعت مطرح بوده و در این روند، طبیعت همواره به عنوان بستر حیات انسان مورد توجه واقع شده است. طراحی بر اساس اصول طبیعی و ادراک انسان (Koh, 1988: 180) در راستای انسجام و اتحاد بیشتر میان انسان و طبیعت (Eckbo, 1950: 15, McHarg, 1969: 3) می‌تواند به عنوان یک الگو در معماری منظر به حساب آید. زیرا طبیعت منبع بسیاری از رضایتمندی‌های زیبایی شناختی و روحی انسان می‌باشد (Thompson, 2014: 58).

بسیاری طبیعت را تنها منبع قابل دسترس در طراحی منظر عنوان می‌کنند (Treib, 1995: 46 McHarg, 1969: 4). در واقع طبیعت، معیار و سنجش منظر می‌باشد (Neckar, 1995: 6). بسیاری بر زندگی و طراحی با طبیعت در منظر اشاره می‌کنند (Ruff, 1982: 17, Turner, 2001: 28). همچنین حفظ و نگهداری سلامت و تنوع اکوسیستم حفظ و نگهداری شخصیت ذاتی منظر می‌باشد (Murphy, 2005: 12, Beatley, 2000: 4). بنابراین هر اندازه منظر به واسطه توسعه فیزیکی عناصر انسان ساخت از شرایط طبیعی جدا شود، انزوا افزایش می‌یابد. (Gergel & Turner, 2001: 16)

بوم‌شناسی، احیاء‌کنندگی

در واقع بوم‌شناسی پایه‌ی واحدی برای معماری منظر و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، که امکان درک فرم به صورت نقطه‌ای روشن در فرایند تکاملی در آن فراهم می‌شود (McHarg, 1967: 105). طراحی بوم‌شناسانه می‌تواند تمایلات انسان را تحریک کند، بنابراین آگاهی از انتظارات فرهنگی و لذت انسانی، به نوعی سنجش کارکرد بوم‌شناسی است (Nassauer, 1995, Halprin, 1969: 19). بسیاری نیز منظر را ملهم از بوم‌شناسی می‌کنند (Treib, 1995: 49, Ruff, 1982: 5). لایل (۱۹۸۵) اعتقاد به ترکیب دوران‌های بوم‌شناختی مختلف (اکوسیستم‌های جوان و قدیمی) داشته و مناظر را بر اساس قوانین بنیادی بوم‌شناختی تقسیم‌بندی می‌کند (Lyle, 1985: 146). راف (۱۹۸۲) به غنی‌سازی از طریق ترکیب گونه‌ها و جلوگیری از تک‌کاشتی و یکسانی در منظر اشاره می‌کند (Ruff, 1982: 34). البته طراحی بوم‌شناختی ایدئولوژی زیباشناختی را نیز در بر می‌گیرد (Potteiger, and Purinton, 1998: 34).

18)، که به ویژگی‌ها و ضرورت‌های بصری منظر اشاره داشته (Colvin, 1972: 5) و تهیه اطلاعات در رابطه با کیفیت بصری مناظر و آثار ناشی از فعالیت‌های توسعه در منظر، هدف آن می‌باشد (Feimer et al, 1981: 13).

همچنین الهام از مناظر محلی در طراحی منظر (Jensen, 1992: 15, Beatley, 2000: 5) بسیار حائز اهمیت است. لایل (۱۹۸۵) ایده طراحی احیاء کننده با تأکید بر فرآیند چرخه‌ای منظر در راستای حفاظت از منابع موجود، بدون تخریب محیط، را مطرح می‌کند (مظفر و دیگران، ۱۳۹۲) (Lyle, 1985). این نگرش که به حفظ و نگهداری منابع و نظارت بر آن (Laurie, 1986: 10) و کاهش مصرف انرژی اشاره دارد، معماری منظر را دارای تفکری زیست‌محیطی (Mozingo, 1997: 46) و به عنوان یک اکوسیستم انعطاف‌پذیر (Prominski, 2005: 26) مطرح می‌کند. جلیکو نیز ایده "نه یک شهر در یک باغ، بلکه یک شهر در یک پارک" (Jellicoe, 1989: 39) را مطرح کرده است. همین‌طور هاوارد (۱۸۹۸) که ایده باغ‌شهرهای فردا را ترسیم کرده بود (Howard, 1898: 29).

طراحی، برنامه‌ریزی

داونینگ (۱۸۴۱) با اشاره به منظر و ساختمانها به عنوان یک کل یکپارچه بیان می‌کند، که زیبایی‌های معماری باید تلفیقی با زیبایی منظر و زمینه باشد (Downing, 1842: 53). هرگونه سادگی، یکنواختی و بی‌ثباتی با شمار اندک گونه‌ها و آنتروپی زیاد به سمت انحطاط حرکت می‌کند. همین‌طور پیچیدگی، گوناگونی و ثبات با شمار زیاد گونه‌ها و آنتروپی کم، به سمت تکامل و رشد می‌رود (McHarg, 1967). بسیاری نیز به ناهمگنی و تنوع گونه‌ها در منظر اشاره می‌کنند (Corry & Nassauer 2005: 266). برخی از طراحان منظر همانند براون به طراحی برخلاف مشخصه باغ‌های رسمی اعتقاد داشتند (Thompson, 2014: 5). برخی از هندسه فراکتال به عنوان اساس زیبایی‌شناسی جدید (Baird, 2002 and Spirn, 1988) یاد می‌کنند. مارتا شوارتز از جمله کسانی بود که با الهام از هنر، از مصالح نامتعارف و گیاهان مصنوعی (Schwartz, 1985) در طراحی منظر استفاده کرد. یکی دیگر از رویکردها ترکیب هنر زمینی، مجسمه‌سازی و طراحی به عنوان رویکرد طراحی منظر بود، که با یکپارچگی خاصی با محیط اطراف خود پدید می‌آید (Entwistle, 2008). تامسون (۲۰۱۴) بیان می‌کند که عملکرد به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های منظر مطرح می‌باشد (Thompson, 2014: 41). کالوین نیز در این باره می‌گوید عملکرد و زیبایی اساساً مکمل یکدیگرند (Colvin, 1972: 26).

در رابطه با برنامه‌ریزی منظر، الگوها ابزاری برای ساده‌تر کردن فرآیندهای پیچیده هستند، که برای کشف روابط و مدل سازی دانش منظر کاربرد دارند. تام ترنر (۲۰۰۱) روش PAKILDA در فرآیند معماری منظر را مطرح می‌کند که جستار طراحانه در آن، حرکتی زنبور وار است (Turner, 2001: 29). فرآیند اشتاینیتز نیز با به‌کارگیری از مدل سازی مفهوم پایه در فرآیند طراحی منظر و در نتیجه اتخاذ تصمیمات، همراه می‌شود (Steinitz, 1990). از سوی دیگر برخی معتقد به طراحی برنامه به جای فرم به منظور رسیدن به انعطاف‌پذیری هستند و کار با برنامه‌ها به معنای امکان طراحی برای تولید اثرات خاص به جای تمرکز بر شکل و فرم، ترجیح می‌دهند (Wall, 1999: 234).

تعیین هدف و تعریف مسئله قبل از مکتوب کردن برنامه طراحی، بسیار حائز اهمیت است، بسیاری به روش‌شناسی کل‌نگر و فرایندمدار در منظر تأکید می‌کنند (Treib, 2007: 47). (Ruff, 1982: 59). طراحی منظر فرآیند آگاهانه سازماندهی، برنامه‌ریزی و ایجاد تغییرات فیزیکی در منظر است (Motloch, 2000, 21). طراحی منظر؛ الگوی فعالیت، الگوی جریان و الگوی شکل است (Lynch, and Hack, 1984: 9). فرآیندهای طراحی دارای مراحل تعریف مسئله، ایده پردازی، اجرا (تبدیل ایده به طرح) و ارزشیابی طرح می‌باشند (Motloch, 2000, 286). هالپرین (۱۹۶۹) با معرفی چرخه‌های RSVP، از امتیازها برای توصیف تمام فرایندها در مجموعه‌ی هنرها، بهره می‌گرفت، که به جای ایده سنتی‌تر «برنامه‌ریزی»، برای طراحی خلاق‌تر ارائه شده است (Halprin, 1969: 2). مک‌هارگ نیز به لایه بندی اطلاعات و ویژگی‌های منطقه‌ای در برنامه‌ریزی منظر اشاره می‌کند (McHarg, 1967: 105).

بحث

همان‌طور که در بخش روش تحقیق بیان شد، ده متخصص معماری و شهرسازی منظر کشور متناسب با هرکدام از مفاهیم و واژه‌های مستخرج از تحلیل تئوری زمینه‌ای، پروژه‌های منظری را پیشنهاد کردند که در پنجاه سال اخیر طراحی و ساخته شدند. در ادامه بر اساس تکنیک دلفی در هر حوزه پروژه‌هایی انتخاب شد، در این قسمت نیز سعی می‌شود به بررسی جایگاه نظریات منظر در پروژه‌های حرفه‌ای منظر پنجاه سال اخیر ایران پرداخته شود.

جدول ۱: تحلیل زمینه‌ای نظریات معماری منظر جهان و بررسی جایگاه آن در پروژه‌های حرفه‌ای ایران

بخش اول: معنا و مفهوم منظر				
تحلیل تئوری زمینه‌ای				مفاهیم (کدگذاری سطح ۲)
مقولات	مقوله	واژه‌های	پروژه‌ها	
بررسی جایگاه مقولات در پروژه‌های حرفه‌ای منظر ایران				

کلیدی	هسته	عمده	
* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت) * محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * بوستان آب و آتش	فرهنگ	پارادایم مفهومی	هنری علمی و فرهنگی
			معنا برگرفته از تجربه و فرهنگ
* محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * پارک شفق (کامران دیبا) * کنسولگری ایران در آلمان، سفارت ایران در تایلند، سفارت ایران در بانکوک (سیدهادی میرمیران) * سفارت ایران در برزیل (بهرام شیردل) * باغ بلند (مهرداد ایروانیان)	سنت		منظر تبلوری از فرهنگ
			منظر برگرفته از سنت
			نمادگرایی
* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت) * محله ده ونک (سیدامیر منصوری)	نماد		منظر برگرفته از افسانه‌ها و اسطوره‌ها
			منظر برگرفته از طبیعت و فرهنگ
* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت) * محله ده ونک (سیدامیر منصوری)	طبیعت		منظر حاصل ارتباط انسان و طبیعت
			منظر برگرفته از آثار هنرمندان
* مجموعه سرزمین سبز، باغ بلند، پارک صدرا (مهرداد ایروانیان)	هنر		منظر ملهم از سه بعد زندگی، هنر و معنا
			منظر هنری نمایشی، نمادگرا و پیچیده
			دیدگاه هنری
			هنر سازماندهی و شکلدهی به فضا
			دیدگاه هنری و طبیعی
			روانشناسی زیست محیطی
			پایداری
* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت)	محیط		منظر نتیجه تحولات زمین و ادراک انسان
			منظر به مثابه مکان خوب
* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت) * محله ده ونک (سیدامیر منصوری)	زیبایی		خلق و سازماندهی فضا
			تأکید بر فضا
* پارک شفق (کامران دیبا) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)	ادراک		معناگرایی و ادبیات
			الهام از معانی ادبی و هنر
			معناگرایی و نمادها در منظر
			کارکرد ادبی و روایی منظر
* باغ معنا، باغ بلند (مهرداد ایروانیان) * محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * بوستان آب و آتش	فضا	فضاگرایی	منظر به عنوان محیط زندگی و فراتر از معماری و شهر
			ارتباط منظر با ساختمان و شهر
* پارک شفق (کامران دیبا)	انسان	منظر و مردم	

پارادایم مفهومی (استعاری) در شکل دادن به محیط و منظر نقش اساسی داشته و به آن هویت می‌بخشد

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر، به ابعادی همچون سنتی، فرهنگی و تاریخی به خوبی توجه می‌شود. اما در راستای پیمایش و استفاده از ناخودآگاه جمعی و هم‌چنین مشارکت مردم در پروژه‌های حرفه‌ای منظر تلاش چندانی صورت نگرفته است، که این مسئله می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در واقع نیازمند تحقیق و کار بیشتری است.

جدول ۴: تحلیل زمینه‌های نظریات معماری منظر جهان و بررسی جایگاه آن در پروژه‌های حرفه‌ای ایران

بخش چهارم: طبیعت و اکولوژی					
تحلیل تئوری زمینه‌ای		بررسی جایگاه مقولات در پروژه‌های حرفه‌ای منظر ایران			
مفاهیم (کدگذاری سطح ۲)	مقولات عمده	مقوله هسته	واژه‌های کلیدی	پروژه‌ها	
دل‌بستگی و اتحاد انسان و طبیعت نگرش طراحی با طبیعت طبیعت‌گرایی حفاظت از طبیعت منظر طبیعی طبیعت، فرهنگ، فن‌آوری	طبیعت و منظر	منظر در راستای توجه به طبیعت دارای خاصیت احیاکنندگی می‌باشد	طبیعت	* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت) * محله ده ونک (سیدامیر منصور)	
				بوم‌شناسی مبنای برنامه‌ریزی و طراحی منظر رویکردهای زیبایی‌شناختی، اجتماعی و بوم‌شناسی ترکیب گونه‌ها و دوره‌های بوم‌شناسی افقی‌گرایی	* پارک جمشیدیه (پاسبان حضرت) * پارک ساعی (حسین محجوبی و کریم ساعی) تپه‌های عباس آباد (مک‌هاگ)
			بومی‌گرایی و زمینه‌گرایی اهمیت مسائل فرهنگی و زیست‌محیطی		* باغ بلند (مهرداد ایروانیان) * محله ده ونک (سیدامیر منصور) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)
					اهداف زیباشناسانه منظر تناسب زیرساختها با منظر تکنولوژی پایدار محیطی طراحی احیاکننده کاهش مصرف انرژی دیدگاه زیست‌محیطی منظر روستا شهر
			زیبایی بصری رویکرد احیاء کننده		
				باغ شهر	
شهر در منظر ایده باغ شهر					

(مأخذ: نویسندگان)

جدول ۴ نشان می‌دهد که به‌طور کلی به مواردی همچون بوم‌شناختی، گیاه‌شناسی، باغ‌شهر و احیاء‌کننده، در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر امروز ایران، توجه کافی صورت نگرفته است، در حالی که که از مهمترین دغدغه‌های نظریه پردازان طراحان محیط و منظر می‌باشد.

جدول ۵: تحلیل زمینه‌ای نظریات معماری منظر جهان و بررسی جایگاه آن در پروژه‌های حرفه‌ای ایران

بخش پنجم: هندسه، فرم، عملکرد						
تحلیل تئوری زمینه‌ای		بررسی جایگاه مقولات در پروژه‌های حرفه‌ای منظر ایران				
مفاهیم (کدگذاری سطح ۲)	مقولات عمده	مقوله هسته	واژه‌های کلیدی	پروژه‌ها		
یکپارچگی معماری و منظر فضا و حجم	اتصال معماری و منظر	منظر از طریق توجه به الگوهای هندسی و نظم فضایی خود ارائه می‌کند	اتصال معماری و منظر	اتصال معماری و منظر		
				یکپارچگی معماری و منظر فضا و حجم		
پسچیدگی و تنوع گونه‌ها در طراحی خلاقیت ضد رسمیت نظم فضایی	نظم فضایی		منظر از طریق توجه به الگوهای هندسی و نظم فضایی خود ارائه می‌کند	نظم فضایی	* محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * پارک ملت (ایرج اعتصام) * کتابخانه شیراز، کنسولگری ایران در آلمان، سفارت ایران در تایلند، سفارت ایران در بانکوک (سیدهادی میرمیران) * سفارت ایران در برزیل (بهرام شیردل) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)	
					نظم فضایی	* محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * پارک شفق (کامران دیبا) * کتابخانه شیراز (سیدهادی میرمیران) * باغ آب و نور (گابریل گورکانیان) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)
				نظم فضایی	* محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * پارک شفق (کامران دیبا) * کتابخانه شیراز (سیدهادی میرمیران) * باغ آب و نور (گابریل گورکانیان) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)	
				نظم فضایی	* محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * پارک شفق (کامران دیبا) * کتابخانه شیراز (سیدهادی میرمیران) * باغ آب و نور (گابریل گورکانیان) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)	
هنر و مجسمه سازی کاربرد هنرهای تجسمی	دیدگاه هنری در طراحی			منظر از طریق توجه به الگوهای هندسی و نظم فضایی خود ارائه می‌کند	دیدگاه هنری در طراحی	* مجموعه سرزمین سبز، باغ بلند، پارک صدرا (مهرداد ایروانیان)
						دیدگاه هنری در طراحی
					دیدگاه هنری در طراحی	* پارک شفق (کامران دیبا) * بوستان آب و آتش
عملکردگرایی	عملکردگرایی				منظر از طریق توجه به الگوهای هندسی و نظم فضایی خود ارائه می‌کند	عملکردگرایی
		عملکردگرایی				

(مأخذ: نویسندگان)

نتایج جدول ۵ نیز حاکی از آن است، که در مسائلی همچون، اتصال و یکپارچگی منظر با معماری، ابعاد هنری و عملکردی، در پروژه‌های حرفه‌ای منظر تا حدی کم کاری شده است، اما

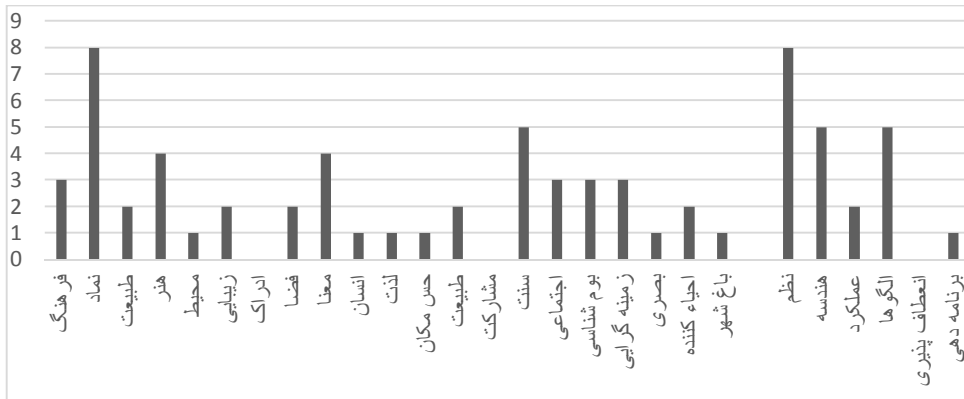
به نظم و هندسه که از شاخصه‌های اصلی باغ ایرانی به حساب می‌آیند، به خوبی پرداخته می‌شود.

جدول ۶: تحلیل زمینه‌ای نظریات معماری منظر جهان و بررسی جایگاه آن در پروژه‌های حرفه‌ای ایران

بخش ششم: فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی					
تحلیل تئوری زمینه‌ای		بررسی جایگاه مقولات در پروژه‌های حرفه‌ای منظر ایران			
مفاهیم (کدگذاری سطح ۲)	مقولات عمده	مقوله هسته	واژه‌های کلیدی	پروژه‌ها	
بهره‌گیری از الگوها در طراحی مدل‌سازی مفهوم پایه رویکرد علمی و تئوریک	مدل‌های طراحی	با بهره‌گیری از برنامه‌دهی و فرآیند مناسب، طرح منظر به نتیجه‌ای مطلوب خواهد رسید.	الگوها	* محله ده ونک (سیدامیر منصوری) * نادر اردلان (کالج مدیریت) * پارک ساعی (حسین محجوبی و کریم ساعی) * کنسرواتوار موسیقی تهران (نادر اردلان)	
				انعطاف پذیری	انعطاف پذیر
				روشن‌شناسی کل‌نگر و فرایندمدار	برنامه‌دهی منظر
طراحی منظر فرآیند‌گرا	فرآیند امتیازدهی		برنامه‌دهی منظر	تپه‌های عباس‌آباد (مک‌هارگ)	
تعریف مسئله، ایده‌پردازی، اجرا					
تعداد ابعاد اجتماعی و بوم‌شناختی					
فرآیند خلاق	فرآیند امتیازدهی		برنامه‌دهی منظر	تپه‌های عباس‌آباد (مک‌هارگ)	
فرآیند امتیازدهی					
لایه بندی اطلاعات					

(مأخذ: نویسندگان)

نتایج بخش فوق نیز نشان می‌دهد، اساساً در پروژه‌های حرفه‌ای معماری منظر امروز ایران، به مؤلفه انعطاف پذیری و فرآیندها در برنامه‌دهی و طراحی، به اندازه کافی اهمیت داده نمی‌شود، اما به الگوهای هندسی و نمادین به طور مطلوبی پرداخته می‌شود.



نمودار ۱: جمع بندی بررسی جایگاه نظریات معماری منظر جهان در پروژه های حرفه ای منظر در ایران (مأخذ: نویسندگان)

دیگرام شماره ۱ نشان می دهد که میزان عملکرد، توجه و پوشش پروژه های حرفه ای معماری منظر ایران به مفاهیم و نظریات معماری منظر معاصر جهان، چگونه می باشد. لازم به ذکر است که مبنای تحلیل ها در این بخش تعداد پروژه هایی است که به طور ویژه به مفاهیم مربوطه توجه داشته اند. با توجه به یافته های این پژوهش، می توان این گونه بیان کرد که تاکنون بیشتر رویکردها در پروژه های حرفه ای منظر به مؤلفه هایی همچون نمادها، الگوها، سنت، نظم و هندسه بوده است، که این اتفاق را می توان به نحوی متأثر از باغ ایرانی دانست. اما هم چنان به مسائلی نظیر مشارکت، محیطی، عملکردی، بصری، برنامه ریزی منظر، انعطاف پذیری در طراحی و همین طور ابعاد ادراکی، انسانی و زیبایی شناسی، در پروژه های اجرایی توجه چندانی نمی شود. این در حالی است که به نظر می رسد به ابعاد هنری، فرهنگی، معنایی، اجتماعی، بوم شناسی، زمینه گرایی تا حدی پرداخته شده است.

نتیجه گیری

بسیاری از نظریه پردازان بر این باورند، که منظر متنی است که اگر زبان آن را بدانیم می توانیم آن را قرائت کنیم. همواره در ایران معماری منظر به عنوان پدیده ای همساز با طبیعت شمرده می شده که با هندسه ای شگفت انگیز به نمایش در می آمده است، نتایج این تحقیق نیز حکایت از آن دارد که در پروژه های حرفه ای معاصر، گرایش به این نمادها و ارزشها همانند یک زنجیره با عملکردهای تکرار شونده، البته به گونه ای مدرن نمود می یابد. به گونه ای که در بسیاری از این پروژه ها به طور خاص به الگودارزی از نمادهای سنتی و فرهنگی باغ ایرانی پرداخته شده است. این مسئله نه تنها در ابعاد فیزیکی بلکه به طور معنایی و ارزشی نیز مورد

توجه بوده است، که می‌توان از آن به عنوان نقاط قوت و مثبت حوزه حرفه‌ای معماری منظر معاصر ایران یاد کرد.

همچنین نتایج نشان می‌دهد مقولاتی همچون هنری، فرهنگی، معنایی، اجتماعی، بوم‌شناسی و زمینه‌گرایی نیز تا حدودی مورد تأکید واقع شده است، اما به نظر می‌رسد می‌توان در پروژه‌های حرفه‌ای منظر از لحاظ کمی و کیفی تا حد مطلوب‌تری به این موارد پرداخته شود. در عین حال در بسیاری از پروژه‌ها مشارکت اجتماعی شهروندان در روند و فرآیند طراحی و برنامه‌دهی منظر، یکی از حلقه‌های گمشده این حرفه بوده است، که می‌بایست در پروژه‌های آتی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

نتایج در مقولات مرتبط با زیبایی‌شناسی نیز حکایت از آن دارد، که مؤلفه‌هایی همچون حس مکان، لذت و ادراک کاربر در طراحی منظر، کمتر در نظر گرفته شده است. در بررسی جایگاه مقوله طبیعت و اکولوژی نیز به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی همچون بوم‌شناسی، تنوع گیاهی و احیاکننده، نیازمند توجه و کار بیشتر هستند. همچنین موارد دیگری مانند انعطاف‌پذیری و برنامه‌ریزی از نقاط ضعف طراحی پروژه‌های حرفه‌ای منظر به حساب می‌آید، که نیازمند قدم‌های محکمتری در این زمینه است. نتیجتاً با توجه به مطالب فوق می‌توان کمبودها، نیازها و نقاط ضعف و قوت وضعیت معماری منظر کشور را شناسایی و در جهت بهبود شرایط آن در ابعاد گوناگون گام برداشت. در همین راستا می‌توان از موارد ذکر شده در فوق در طرح‌های برنامه‌ریزی و توسعه و همین‌طور در حوزه آموزش کشور در راستای ارتقاء کیفی دانش این رشته بهره برد.

منابع و مآخذ:

۱. طبری کوچکسرائی، س.، لقایی، ح.، حسینی، س.م. ۱۳۹۱. ارزیابی پارک‌های شهری قائمشهر و بهینه سازی قابلیت استفاده آنها برای شهروندان. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط. سال پنجم، شماره ۱۹.
۲. مظفر، ف.، فیضی، م.، اسدپور، ع. ۱۳۹۲. رویکردهای معاصر در پژوهش‌های محیطی فضاهای باز شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش، تابستان ۱۳۹۲، دوره ۶، شماره ۲۱ و ص ۸۹-۱۱۰.
۳. بزّی، خ.، میرشکاری، م.ع. ۱۳۹۳. ارزیابی دیداری محیط و منظر پارک ملت زاهدان با رویکرد ترجیحات مردمی، فصلنامه جغرافیایی آمایش، دوره ۸، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۹۹-۱۲۱.
4. Arnstein, S.R. 1969. A Ladder of Citizen Participation, JAIP, Vol. 35, No.4, July, pp.216-224.
5. Baird, C.T. 2002. Sacred Ground: Must Sustainable Landscapes Mimic the Form and Spatial Organisation of Nature? In CELA (2002): GroundWork, Council of Educators in Landscape Architecture, Syracuse, New York: The Faculty of Landscape Architecture, SUNY College of Environmental Science and Forestry, pp9-15.
6. Beatley, T. 2000. Green Urbanism. Washington: Island Press.
7. Bell, S. 1999. Landscape: Pattern, Perception and Process, London, Fn & FN Spon.
8. Bell, S. 2004. Elements of Visual Design in the Landscape, Taylor & Francis.
9. Benson, J., Roe, M. 2000. Edited by. Landscape and Sustainability. Spon Press.
10. Candon, P. 1988. Cubist Space, Valumetric Space. In Swaffield 2002.
11. Colvin, B. 1972. Trees for town and country. London: Lund Humphries.
12. Corner, J. 1992. Representation and landscape: Drawing and making in the landscape medium, A Journal of Verbal/Visual Enquiry, Volume 8, 1992- Issue3, p243-275.
13. Corner, J. 1999. Recovering Landscape as a Critical Cultural Practice. In Corner, J. (ed.) Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture. New York: Princeton Architectural Press, pp.1-26.

14. Corner, J. 2006. Terra Fluxus. In Waldheim, C. (ed.) Landscape Urbanism Reader. New York: Princeton Architectural Press, 22-33.
15. Corry, R. C., Nassauer, J. I. 2005. Limitations of using landscape pattern indices to evaluate the ecological consequences of alternative plans and designs. *Landscape and Urban Planning*, 72(2005)265-280.
16. Cosgrove, D. 1984. Social Formation and Symbolic Landscape (first published London: Croom Helm), Reprinted from the 1998 edition by permission of the University of Wisconsin Press.
17. Cranz, G., & Boland, M. 2004. Defining the sustainable park: A fifth model for urban parks. *Landscape Journal*, 23(2), 102-120.
18. Dixon Hunt, J. 1992. Introduction: Reading and Writing the Site, in *Gardens and the Picturesque: Studies in the History of Landscape Architecture* (Cambridge, Mass.: MIT Press, 1992), 3-16. © Massachusetts Institute of Technology .
19. Dixon Hunt, J. 2000. Greater perfection: the practice of garden theory. University of Pennsylvania. Thames & Hudson press .
20. Downing, A. J. 1842. A Treatise on the Theory and Practice of Landscape Gardening, Adapted to North America.
21. Eckbo, G. 1950. *Landscape for Living*. (New York: Dodge), 57-60. Reprinted-with the kind agreement of Mrs. A. Eckbo .
22. Entwistle, T. 2008. The art of placemaking. *Landscape*, October edition, p.40-44.
23. Feimer, N. R., Sardon, R. C. & Craik, K. H. 1981. Evaluating the Effectiveness of Observer-based visual resource and impact assessment methods. *Landscape Research journal*, vol 6:12-16.
24. Gergel, S. E., Turner, M. G. 2001. *Landscape Ecology in Theory and Practice*. Springer-Verlag. ISBN0387952543, pp.336.
25. Giedion, S. 1941. *Space, Time and Architecture: The Growth of a New Tradition*, Harvard University Press.
26. Glaser, B. & Strauss, A. 1967. *Discovery of Grounded Theory*, Transaction Publishers, U.S. Publisher.

27. Halprin, L. 1969. The RSVP Cycles. Excerpted from Lawrence Halprin, *The RSVP Cycles* (New York: George Braziller), 1-5. Used with permission .
28. Hester, Jr. 2012. Scoring Collective Creativity and Legitimizing Participatory Design. *Landscape Journal* 31(1-2):135-143.
29. Holm, I. 2006. Ideas and beliefs in architecture and industrial design, Oslo: Oslo School of architecture and design.
30. Howard, E. 1898. *Garden Cities of To-Morrow*, London: S. Sonnenschein & Co., Ltd. 1902. (at Google Books).
31. Hsu, C. h., Sandford, B. A. 2008. The Delphi technique: making sense of consensus. [cite 2008 Oct 19]. Available from: <http://pareonline.net/pdf/v12n10.pdf>
32. Hubbard, H. & Kimball, T. 1929. *An Introduction to the study of landscape design*. New York: THE MACMILLAN COMPANY. IFLA. (2003). definition of the profession of landscape architect for the international standard classifof occupations. Banff, Canada: international federation of landscape architecture.
33. Jacobs, P. 1991. De/Re/In [form] ing Landscape. *Landscape Journal*, no. 1 (1991):48-56. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author .
34. Jellicoe, G. 1989. *Antique Collectors Club Dist.*
35. Jellicoe, G. and Jellicoe, S. 1975. *The Landscape of Man: Shaping the environment from prehistory to the present day*, London: Thames and Hudson.
36. Jensen, J. 1992. *Maker of Natural Parks and Gardens*. The Johns Hopkins University Press.
37. Kaplan, R. & Kaplan, S. 1989. *The Experience of Nature: A psychological perspective*. New York: Cambridge University Press.
38. Koh, J. 1988. An Ecological Aesthetic, *Landscape Journal* 7, pp177-191.
39. Laurie, M. 1986. *An introduction to landscape architecture*. New York: Elsevier.
40. Leopold, A. 1989. *A Sand County Almanac: And Sketches Here and There*, Oxford: Oxford University Press.

41. Lyle, J. 1985. Design for human ecosystems: Landscape, land use, and natural resources. Island: Island Press.
42. Lyle, J. T. 1991. Can Floating Seeds Make Deep Forms? In Landscape Journal, Vol. 10, No. 1, Spring, 37-47.
43. Lynch, K., Hack, G. 1984. The Art of Site Planning. Site Planning, 3rd ed. (Cambridge, Mass.: MIT Press), 11-12. ©1984 Massachusetts Institute of Technology .
44. Marshall, L. 1981. Landscape architecture: Guidelines to professional practice. Washington, DC: American Society of Landscape Architects.
45. McHarg, L. 1967. An Ecological Method for Landscape Architecture, Landscape Architecture 57, no. 2: 105-107. Reprinted with permission from Landscape Architecture magazine.
46. McHarg, L. 1969. Design with Nature (New York: Doubleday, 1969), Garden City, N.Y., Published for the American Museum of Natural History [by] the Natural History Press.
47. Morse, J. 2001. Situating Grounded Theory within Qualitative Inquiry, In: Rita Shreiber & Phyllis Noerager Stern (eds.), Using Grounded Theory in Nursing, New York, Springer Publishing Co.
48. Motloch, J. L. 2000. Introduction to landscape design. New York: Chichester, John Wiley.
49. Mozingo, L. A. 1997. The Aesthetics of Ecological Design: Seeing Science as Culture. In Landscape Journal, Vol. 16, No. 1 Spring, 46-59.
50. Murphy, M. D. 2005. Landscape Architecture Theory. Waveland Press. Illinois .
51. Nassauer, J. I. 1995. Messy Ecosystems, Orderly Frames, Landscape Journal 14, no. 2: 161-170. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author.
52. Nassauer, J. I. 2002. Messy Ecosystems, Orderly Frames. In Theory in Landscape Architecture: A Reader, S Swaffield (ed) Philadelphia: University of Pennsylvania Press, pp 196-206.
53. Neckar, L. 1995. Review of Nature and Ideology: Natural Garden Design in the Twentieth Century, Landscape Journal, 108-110.
54. Neuman, L. 2006. Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches, Fourth Edition, London, Allyn and Bacon.

55. Newton, N.T. 1973. Design on the Land: The Development of Landscape Architecture. USA: Editorial UPR.
56. Olin, L. 1998. Form, Meaning, and Expression in Landscape Architecture, *Landscape Journal* 7, no. 2. 149-168. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author.
57. Potteiger, M., Purinton, J. 1998. Landscape Narratives: Crossing Realms, *Landscape Review* 4, no. 1: 16-26. Portions of this essay were adapted from M. Potteiger and J. Purinton, *Landscape Narratives*.
58. Prominski, M. 2005. Designing Landscapes as Evolutionary Systems. *The Design Journal*, vol. 8, no. 3, pp. 25-34.
59. Richards, R. 2001. A New Aesthetic for Environmental Awareness: Chaos Theory, the Beauty of Nature, and our Broader Humanistic Identity, *Journal of Humanistic Psychology* 41, pp. 59-95.
60. Ruff, A. 1982. An Ecological Approach to Urban Landscape Design, *Occasional Paper*, no. 8, Department of Town and Country Planning, University of Manchester, UK, 8-11. Reprinted by permission of the author.
61. Schwartz, M. 1985. Planting Plastic, by Paula Dietz, Home Design Section of the *New York Times*, September 22.
62. Schwartz, M. 1992. Our Culture and the Art for Public Places. International IFLA Conference, *Artivisual Landscapes*.
63. Solomon, R. 2005. Subjectivity, in: Honderich, Ted. *Oxford Companion to Philosophy*, Oxford University Press.
64. Spirn, A. W. 1984. *The Granite Graden: Urban Nature and Human Design*, Basic Books.
65. Spirn, A. W. 1988. The Poetics of City and Nature: Towards a New Aesthetic for Urban Design, *Landscape Journal* 7, pp. 108-126.
66. Steinitz, C. 1990. A framework for theory applicable to the education of landscape architects (and other environmental design professionals). *Landscape Journal* (9): 136-143.
67. Strauss, A., Corbin, J. 1998. *Basics of Qualitative Research*, London, Sage Publications.

68. Thompson, I.H. 2002. Ecology, community and delight: a trivalent approach to landscape education, *Landscape and Urban Planning*, (60):81-93.
69. Thompson, I.H. 2014. *Landscape architecture: a very short introduction*, Oxford, University Press.
70. Treib, M. 1995. Must Landscapes Mean? Approaches to Significance in Recent Landscape Architecture, *Landscape Journal* 14, no 1:46-62. Reprinted by permission of the University of Wisconsin Press and the author .
71. Treib, M. 2007. Design. In Colafranceschi, D. (ed.) *Landscape +100 Words to Inhabit It*. Barcelona: Editorial Gustavo Gili, SL, pp.45-48.
72. Turner, T. 1996. *City As Landscape. A Post-Modern View of Design and Planning*. Spon Press.
73. Turner, T. 2001. Hyper Landscapes. *Landscape Design*, (304):28-32.
74. Walker, P. 1997. Minimalist Landscape. *Modernism and Minimalism in the Landscape* (Washington, ne.: Space maker Press, 1997), 19-20. Used by permission of Space maker Press .
75. Wall, A. 1999. Programming the Urban Surface. In Corner, J. (ed.) *Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture*. New York: Princeton Architectural Press, pp.233-249.
76. Winters, E. 2007. *Architecture and Aesthetic* (London: Continuum).
77. Zube, E.H. 1973. Scenery As a Natural Recourse: Implications of Public Policy and Problems of Definition, Description and Evaluation. *Landscape Architecture Quaterly*. January.
78. Zube, E.H. 1998. The evolution of a profession. *Landscape and Urban Planning*, 42, 75-80.
79. Zube, E.H. 1986. Landscape values: history and theory. In *foundation for visual project analysis*. pp:319. New York: John Wiley & sons .



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی